

لزوم توجه کامل به عدالت اجتماعی و غافل نشدن از آن به خاطر توطئه‌های گوناگون مذهبی و غیره

به نام خداوند آن مهربان که مهر گستر است.

گمان نمی‌کردم بعد از شب ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۴۴۴ که به ناچار مطالبی خارج از تفسیر سوره حجرات بیان کردم به این زودی و قبل از گذشتن یک ماه، دوباره مجبور شوم یک شب دیگر بحث تفسیری را را رها کنم و به مسائل دیگری که در دین اصلی‌تر است بپردازم.

این روزها با قرائتی که برخی را برایتان خواهیم گفت به نظر می‌رسد که گروهی درصدد هستند که نهضت عدالت خواهی مردم را منحرف کنند و دوباره مردم را بازی دهند و سالیان دیگری منابع مردم را غارت کنند و مردم را بیش از پیش به خاک سیاه بنشانند و بر جهل مردم بختند.

از جنگ‌های صفوی و عثمانی نمی‌گویم، از شخص روضه خوانی که در تهران در مسجد کنار سفارت عثمانی هر روز روضه حضرت زهرا(س) می‌خواند و با لعن به خلیفه دوم او را لگد زنده به پهلوی حضرت زهرا(س) معرفی می‌کرد تا باعث ناراحتی کارمندان سفارت عثمانی شود و بعد معلوم شد هزینه این روضه را سفارت انگلیس تامین می‌کند و با چند واسطه، مبلغ کمی به این روضه خوان بیچاره می‌رسید، سخن نمی‌گویم؛ بلکه از حوادثی سخن می‌گویم که در زمان خودمان در شرف تکوین است و گهگاهی از پس پرده قسمتی از آن بیرون می‌افتد.

(۱) حتما شنیده‌اید که این روزها با دستوری و تشکیل شورایی و تعدادی انگشت‌شمار، دارایی دولت و ملت را می‌فروشدند و این که پول آن را چه می‌کنند، اصلا معلوم نیست چون تحت هیچ حساب و نظارتی نیست و کارها به صورت مخفیانه و بدون اطلاع رسانی انجام می‌شود.

(۲) امروزه به نمایندگان مجلس و اعضای دولت و نورچشمی‌ها ماشین‌هایی داده می‌شود و وقتی مقداری از آن افشا می‌شود با کمال وقاحت می‌گویند این هم مثل بن‌های رفاهی است و چیز مهمی نیست که قابل بررسی باشد.

(۳) در این سال‌ها وقتی اختلاس‌های بزرگ افشا شده است مسئولین رده بالا به جای دستور به رسیدگی و پی‌گیری آن، می‌گویند که آن را کِش ندهید و گزارش دهندگان تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

(۴) اما عجیب این است که برای سرگرم کردن مردم تا این که از این بُرد و خورد‌ها و اختلاس‌ها با خبر نشوند مسئله پوشش بانوان را در بوق و کرنا می‌کنند.

مثلا در جلسه‌ای که امام جمعه شهری حضور داشته، چند نفر حجاب خود را برداشته‌اند و امام جمعه به حالت قهر جلسه را ترک می‌کند و دیگری به او توهین می‌کند و شخص سومی از او حمایت می‌کند و این جریان همچنان ادامه پیدا می‌کند و باعث سخنان فراوان می‌شود و شبکه‌های اجتماعی چه داخلی و چه خارجی عمدا یا سهوا به آن دامن می‌زنند، تا مسألهٔ بردن‌ها و خوردن‌ها از یاد برود.

(۵) از طرف دیگر برخی از نمایندگان مجلس نطق می‌کنند و طرح می‌دهند که بی حجاب‌ها را بگیرد و چند برابر دیه قتل یک انسان جریمه کنید یا نیروهای مسلح وارد می‌شوند و دوربین می‌گذارند و به مردم پیام می‌دهند، حتی به مردان پیامک می‌دهند که حجابت را رعایت کن یا از مردان به خاطر رعایت نمودن حجاب تشکر می‌کنند و همهٔ اینها اسباب خنده و مضحکه فراهم می‌کنند تا مردم اینها را برای یکدیگر کپی پیس کنند و کسی حواسش به اختلاس‌ها و فروش اموال و رانت‌های فراوان و خیانت‌ها نباشد و کسی از علت تورم شدید که همان دست در جیب مردم کردن و نابودی سرمایه ملت است سؤال نکند.

(۶) همهٔ این مطالب را مردم کم و بیش می‌دانند؛ زیرا افراد آگاه این مطالب را بیان کرده و می‌کنند و هشدار داده و می‌دهند و گهگاهی دستگیر یا احضار نیز می‌شوند.

غرض هم بیان این مطالب هست و هم نیست.

غرض هست تا توجه‌ها را بیشتر جلب کنم و بگویم ای مردم، ای دانشگاهیان، ای علمای حوزه و ای مراجع تقلید، ما شیعیان عدلیه و عقلیه هستیم. افتخار شیعه این است که یکی از اصول مذهب خود را عدل قرار داده و آن را کنار توحید نشانده است تا اهمیت آن هم برای شیعیان و هم برای دیگران مشخص شود.

هم عقل و هم آیات صریح قرآن به عدل تاکید می‌کند، مثل :

"ان الله يأمر بالعدل و الاحسان" (نحل/۹۰)

"اعدلوا هو اقرب للتقوا" (مائده/۸)

از طرف دیگر قرآن در آیه ۲۵ سورهٔ حدید هدف از آمدن پیامبران را قسط یعنی عدل ظاهر و آشکار معرفی کرده است.

بله ای بزرگان! ما عدلیه هستیم نه چادریه، ما عقلیه هستیم نه پوششیه، ما امامیه هستیم نه تار موی زنیّه؛ تا به یک تار موی زن حساس باشیم. ما باید از فقر و فساد حاکم بر جامعه غیرتمان به جوش آید، ما باید از شنیدن رانت و اختلاس و ثقل و خیانت و جهالت، فریادمان بلند شود تا ثابت شود واقعا شیعهٔ عقلیهٔ عدلیه هستیم.

۷) مسئله موی بانوان چه واجب شرعی باشد چه واجب عرفی، چه مستحب باشد چه راجح عرفی، چه حکم مولوی باشد چه ارشادی، چه خدا گفته باشد چه پیامبر(ص)، چه شال باشد چه روسری؛ در صورتی حل می‌شود و مردم آن را می‌پذیرند که مسئله عدالت، قبل از آن حل شود؛ چون این از اصول دین است و آن از توابع. اگر در جامعه افراد بالای هشتاد سال چند شغله یا همه‌کاره نباشند یا افرادی روزانه میلیاردها به جیب نزنند و شغل‌ها و پول‌ها میان همه مردم درست تقسیم شود، مسئله پوشش هم حل می‌شود. می‌توانید امتحان کنید. به جای گرفتن و بستن و زندانی کردن و فرستادن هزاران پیامک، حداقل سه ماه رقم حقوق و مزایای حکومتیان و دولتیان و مجلسیان و همه قوا و نیروها را بین تمامی کارمندان شاغل و بازنشسته جامعه تقسیم کنید، آنگاه خواهید دید هم مقداری عدالت برقرار می‌شود و هم پوشش بانوان در ادارات تا حد بسیار بالایی حل می‌شود. مگر شما مسئولین این مملکت، شیعه نیستید؟ مگر خبر ندارید که امام حسن مجتبی (ع) چندین مرتبه در عمر خود اموالش را بین فقرا تقسیم کرد؟ شما هم تنها سه ماه و نه بیشتر، تمامی درآمد خود را با فقرا تقسیم کنید.

مگر کشور ما دارای منابع گاز، نفت، طلا و ... نیست؟ از درآمد یک ماه کشور ۲۵ روز را برای فلسطین و یمن و غرب و شرق و موشک و... بگذارید و پنج روز باقیمانده را برای مردم کشور خودمان بگذارید و زیرساختها را اصلاح کنید و مقداری را بین همه به طور متساوی تقسیم کنید، ببینید آیا فقری باقی می‌ماند یا خیر؟ با این کار مردم طرفدار شما می‌شوند و دیگر نیازی به ساخت زندان چند هزار نفری و توطئه هر روز علیه ملت و دستگیری و سرکوب آنان نیست.

در این سالیان طولانی

صدا بدی کردید و دیدید ثمرش را      خوبی چه بدی داشته که یکبار نکردید؟

۸) بله این مطالب را تا حدودی می‌خواستم بگویم ولی غرض اصلی از لایو امشب چیزهای دیگری است که اکنون می‌خواهم به آن بپردازم و آن احتمال توطئه خطرناک دیگری است که علیه مردم عدالت خواه در حال انجام است و آن ترور شخصیت بزرگانی است که در پیش‌برد فرهنگ و عدالت خواهی مردم مؤثر بوده‌اند و از جمله تخریب دانشمندی محترم چون دکتر عبد الکریم سروش و آیت الله دکتر محسن کدیور و نظایر آنان در خارج از کشور و تخریب بزرگان و فرهیختگانی چون سادات بزرگوار آقایان موسوی و خاتمی و تاجزاده در داخل کشور، است.

البته این بزرگان خود زیرک هستند و به موقع با هر سختی که هست توطئه‌های آشکار و پنهان را خنثی می‌کنند و نمی‌گذارند از قلم و بیان آنان علیه دیگری سوء استفاده شود و به طرفداران خود نیز سفارش‌های لازم را می‌کنند.

اما ما باید در این وانفسای فیلترینگ شدید که هر روز بر شدت آن افزوده می‌شود و همچنین از سرعت اینترنت هر روز کاسته می‌شود، عقلمان را به کار بگیریم و هر شایعه‌ای را در هر موردی قبول نکنیم و مثلاً موضع آنان دربارهٔ حجاب، در اوایل انقلاب را امروز علیه آنان به کار نبریم چون همانگونه که می‌دانید همه در اوایل انقلاب داغ و احساساتی بوده و حرف‌های بدون دلیل و از روی تقلید گفته‌ایم. باید بدانیم آزاده آن است که هر موقع متوجه اشتباهش شد از آن برگردد، نه اینکه عمداً تا ابد به راه اشتباه خود ادامه دهد که اگر چنین کند مسلماً دنیای خود و دیگران را خراب می‌کند و در آخرت نیز به عذاب دوزخ گرفتار خواهد شد.

۹) الغرض، کوچکترین و ضعیفترین فردی که گمان می‌رود توطئه‌هایی در اطرافش در جریان است این بنده کمترین احمد عابدینی است که قصد دارم از این فرصت استفاده کنم و کمی پیرامون آن توضیح دهم تا ان شاء الله خفتگان بیدار شوند و بی‌خبران با خبر شوند و امید است فریب خوردگان نیز به راه برگردند و از توطئه‌ای که در آن افتاده‌اند کنار بکشند تا به نهضت عدالت خواهی مردم ضربه‌ای وارد نشود و حکومتیان و دولتیان مجبور شوند به جای استفاده از لفظ عدالت، خود عدالت را اجرا کنند تا مردم شهید داده و زجر کشیده که سالیان سال است به دنبال یافتن عدالت هستند بیش از این با اسم عدالت گرفتار ظلم مضاعف نشوند.

چند شب پیش شخص روحانی که معلوم بود مسن است (البته خودش را معرفی نکرد و حتی می‌گفت از خانهٔ خودش تلفن نمی‌کند و این شماره مال خودش نیست) و گاهی با لهجهٔ مشهدی حرف می‌زد و گاهی مازندرانی، خبر از برگزاری جلساتی داد که در آن علاوه بر توهین به بنده به خاطر اینکه طبق گمان آنان - گفته‌ام نمرهٔ حضرت علی بیست است و نمرهٔ عمر و ابوبکر هیجده و نوزده، تصمیم گرفته‌اند به برخی از اراذل و اوباش پول بدهند تا بنده را ترور کنند. آن شخص در آن شب حدود چهل دقیقه مرا نصیحت کرد و گفت مگر وهابیون و آمریکا چقدر پول به تو می‌دهند و مگر دنیا چه ارزشی دارد و مگر انسان چقدر نیاز دارد و می‌خورد؟! و ...

شب بعد از آن هم یکی از دوستان روحانی ساکن اصفهان به خانه آمده و از جلسه‌ای که چند روز پیش در اصفهان تشکیل شده بود خبر داد که در حاشیه‌ی آن یکی از روحانیون سنتی اصفهان که ایشان را به خوبی می‌شناسم، پا را از تهدید و ترور و امثال آن فراتر گذاشته است و گفته ما میدان کهنه‌ای و چاله میدانی هستیم و اراذل و اوباش را تحریک می‌کنیم تا فلان و فلانش کنند و حرف‌هایی زده بود که آن دوستم خجالت کشید حتی یک کلمه از آن‌ها را به زبان بیاورد.

دیگرانی در فضای مجازی سر و پشت سر از همین مطالب می‌فرستند. کثرت و تنوع آنها در عین مشابهت محتوا احتمال توطئه جدید را تقویت می‌کند.

نمی‌دانم بنده چه وقت معلم بوده‌ام که بخواهم به کسی نمره بدهم، آن هم به کسانی که بیش از هزار و چهارصد سال قبل زندگی می‌کرده‌اند!!

بنده خودم شاگرد مکتب حضرت علی (ع) هستم و بارها گفته‌ام که هیچکس با ائمه و اهل بیت علیهم السلام قابل مقایسه نیست. «لا یُقاس بهم احد» آنان امامان ما و چراغ هدایت ما هستند، هر کلامی از آنان به ما رسید و مطمئن شدیم که آن سخن از آن بزرگواران است و مقصودشان را فهمیدیم، بر ما حجت است، مگر اینکه معلوم شود برای همان دوران بوده است.

در خطبه شششنبه قبل از دربار این عبارت "ینحدر عنّی السبیل و لا یرقی الی الطیر" توضیح دادم که هیچکس از مردم، علم و مقامات و درجات امام علی (ع) حتی به مخیله اش هم نمی‌رسد.

بارها از رسول خدا (ص) نقل کرده‌ام که ایشان درباره حضرت علی (ع) فرمودند:

"اعلمکم علیّ و اقضاکم علیّ" داناترین و قاضی‌ترین شما علی است.

و همچنین بارها گفته‌ام که سر منشأ تمامی علوم دینی حضرت علی (ع) است. ما هر چه باشیم علممان نسبت به علم آنان تنها ذره‌ای محسوب است و به انگشت کوچک پای امامان هم نمی‌رسد. بارها به کسانی که گفته‌اند «از علی تا به علی فاصله یک آینه است» و یا افرادی را تالی تلو معصوم دانسته‌اند ایراد گرفته‌ام.

بله بنده خود را در سطحی نمی‌دانم که به کسی نمره‌ای بدهم و همه تلاشم این است که ذره‌ای از صفات آن حضرت را در وجود خود ایجاد کنم. و در جلسه نهج البلاغه‌ای سخنی را به مجموع اهل سنت نسبت داده‌ام قریب به این مضمون که وقتی حدود یک میلیارد مسلمان عمر و ابی‌بکر را قبول دارند این قبول داشتن نشان می‌دهد که اگر نمره حضرت علی (ع) در نزد آنان ۲۰ است نمره عمر و ابی‌بکر از دید آنان ۱۸ یا ۱۹ است.

افراد تلفن زننده و تهدید کننده و جوّ ساز دانسته یا ندانسته همین را گرفته و نمره دادن را به من نسبت داده‌اند و به نظر می‌رسد پشت صحنه کسان دیگری در صددند دوباره جنگهای شیعه و سنی را با سبک جدیدی پایه گذاری کنند و فرد مزدوری بنده یا نظیر بنده را ترور کند و با بوق و کرنا نزار شیعه و سنیبه راه بیندازند تا مسأله عدالت خواهی مردم فراموش شود و باز چپاول گران چپاول کنند و شاید تکه نانی هم به این پادوهای از همه جا بی‌خبر برسد.

بله، با اینکه طبق فرموده امام صادق(ع) اگر ۵۰ نفر سوگند بخورند که فردی چیزی گفته و صاحب سخن بگوید چنین نگفته‌ام یا مقصودم چنین نبوده است، سخن او بر ۵۰ نفر سوگند خورنده مقدم است، ولی این شیعیان کاسه از آش داغتر، سخن پیشوای شیعیان حضرت صادق(ع) را نمی‌شنوند و حتی عقل خویش را به کار نمی‌گیرند که اکنون وقت اختلاف در این امور نیست و زیرکی را از حضرت علی(ع) یاد نگرفته‌اند که در نامه ۲۸ نهج البلاغه به معاویه نهیب زده است که «تو را چه به فضل مهاجرین اولیه بر یکدیگر؟!»

بله ما باید همگی از علم امامان بهره ببریم و امور اختلافی گذشته و ثواب و عقاب افراد آن زمان و این زمان را به خدای حکیم و علیم بسپاریم.

لازم به یادآوری است که بنده کتابی را با عنوان "پرتوهایی از پیشوایان رحمانی" نوشته‌ام که حاوی بیست و دو مقاله درباره معصومین علیهم السلام است که قبلاً ۹ مقاله آن در نشریات قم به چاپ رسیده است.

سوال این است که آیا از این امور خبر دارند و تهمت می‌زنند؟ آیا از خدا و قیامت نمی‌ترسند؟ چرا می‌خواهند فردی شیعه خالص را غیرشیعه و وهابی معرفی کنند؟ مگر شیعه بودن من چه چیزی از آنان کم می‌کند؟

زمانی به دیدن همین روحانی اصفهانی رفتم، ایشان اشکالاتی به کتاب عروس قرآن بنده داشت. گفتم کتاب را باز کنید و بخوانید وقتی خواند معلوم شد هیچ اشکالی وارد نیست و نخوانده و از روی بی‌دقتی قضاوت ناصواب کرده است. قرار شد کتاب‌های دیگرم را هم بخواند تا درباره آنها به بحث بنشینیم که این اتفاق هرگز نیفتاد.

امروز هم می‌گویم هر کسی در عقیده‌ام شک دارد تمامی آن فایل صوتی را گوش کند و اگر در کلمه «می‌گویم» یا «می‌گویند» شک داشت و صوت معلوم نشد، به نوشته‌ها و بحث‌های دیگرم رجوع کند تا عقیده‌ام روشن شود و راحت‌ترین راه اینکه از خودم عقاید را بپرسد. تازه همه اینها برای سرگرم کردن است تا اختلاس‌گران ببرند و به ریش ما بخندند و مردم گرسنه بمانند تا عصبانی شوند و عمامه از سر همه ما برگیرند که شما به جای یاد دادن علم و اخلاق فقط نفرت پراکنی کردید. راستی تا کی ما آخوندها باید خواب باشیم و مردم را رشد ندهیم تا دیگران از ما سوء استفاده کنند؟!

بینید از دوره قاجار تا کنون چند بار با احساسی بازی به مردم و عدالت‌خواهیشان ضرر زده‌ایم؟

برای من عجیب است که چرا هم زمان در قم و اصفهان جلساتی تشکیل می‌شود و در آن جلسات چنین تهمت‌ها و دروغ‌هایی نسبت داده می‌شود و در فضای مجازی به آن دامن زده می‌شود.

۱۰) در سال ۱۳۹۷ عده‌ای از اینها و آنها ریختند و حجره مرا گرفتند و فریاد می‌زدند که در گاهنامه شماره ۱۰ علیه حضرت علی(ع) چنین و چنان نوشته‌ای که معلوم شد که همه‌اش دروغ محض است و اصلاً بنده در آن

شماره از آن حضرت چیزی ننوخته بودم. آنان علاوه بر به هم ریختن حجره مقداری به نفع رهبری شعار می‌دادند و مقداری هم عمر را لعن کردند و با این شعارها از اتحاد خود پرده برداشتند؛ شاید هم قصدشان این بود که من حرفی بزنم تا جو را متشنج‌تر کنند، اما از من جز سکوت و دعوت به آرامش چیزی ندیدند.

بالاخره با پرتاب کتاب عمامه از سرم پراندند و گفتند در حجره را گل می‌گیریم و الان پنج سال است که به قول خودشان در حجره را گل گرفته‌اند ولی در حجره من چیزی به عنوان جرم یا حتی ترک اولی پیدا نکردند. امروز دوباره چون فریاد عدالت‌خواهی بلند است ظالمان و اختلاس‌گران دو باره این ساده‌های سنتی را فرا خوانده‌اند تا آتشی به پا کنند.

آن روز تنها کاری که توانستم در برابر هجومشان انجام دهم این بود که به دادرسی ویژه رفتم و شکایت کردم اما همانجا به من گفته شد که اگر بخواهی پیگیر این قضیه باشی چنین و چنان می‌کنیم. من هم از خیر حجره گذشتم چون همه را علیه خود متحد دیدم.

(۱۱) با گذشت زمان و پیش آمدن نهضت عدالت‌خواهی اخیر، معلوم شد که همه مردم از ظلم و جهالت حکومت‌داران خسته شده‌اند اما مسببان وضع موجود، با پیش کشیدن مسئله حجاب و موی دختران و فساد دانستن آن قصد داشتند که مذهب‌بیون و خانواده‌های شهدا را به صحنه بکشند و عدالت‌خواهی مردم را تحت الشعاع قرار دهند، اما وقتی دیدند که همه فهمیده‌اند که پوشش و حجاب یک بازی است برای سرگرم کردن مردم. و امروزه قصه‌ای در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است که بیان آن در این جا خالی از لطف نیست:

وزیری مالیات‌ها را سه برابر کرد و درآمدها را به یک سوم تقلیل داد و خالی کردن باد معده را با صدا ممنوع کرد وقتی پادشاه علت سومی را پرسید در جواب گفت این سومی برای سرگرم کردن مردم است تا به دو مورد اول و دوم اعتراضی نکنند. بله امروزه همه می‌دانند که بگیر و ببند و پلمپ کردن و ...، به خاطر حجاب، مثل همان مورد سومی است که آن وزیر منع کرده بود و دیگر فریب این حیل‌های وزیر و وکیل و قاضی و خطیب و امام جمعه و سنتی و منتهی را نمی‌خورند، لذا توطئه‌گران دارند برای حجاب جایگزین درست می‌کنند و آن هم تهمت زدن به افراد و ترور شخص و شخصیت است که مثلاً فلانی این عقیده را دارد و بهمانی فلان عقیده را، تا از این به بعد به جای دادگاه، چند معمم بی‌سواد یا کم‌سواد با ریش‌های بلند و عمامه‌های بزرگ، فتوا دهنده و قاضی و آتش روشن کن شوند و ارادل و اوباش در جامعه به جای نیروهای مسلح، مجری باشند و نزاع و جنگ داخلی مذهبی راه بیندازند و به عنوان دفاع از قرآن که مثلاً وحی بوده نه رؤیای رسولانه، تمامی قرآن را دفن کنند و با دفاع زرگری بر سر نمره حضرت علی (ع)، عدالت ایشان را به مسلخ ببرند و ذبح کنند تا شاید پول روضه‌ای به

این پادوهای بیچاره برسد و دوباره زیرکان پشت پرده سال های سال منابع کشور را غارت کنند و مردم را به فقر و فلاکت بیشتری بکشانند.

بنده برای دوری از این جو آلوده و کثیف و پر از غیبت و تهمت و برای روشن شدن افکار همه با صراحت عقیده خود را اعلام می‌کنم که بنده شیعه دوازده امامی هستم و در میان ائمه علیهم السلام به فرموده خودشان حضرت علی (ع) را از همه افضل می‌دانم و هیچ فردی را قابل مقایسه با آن حضرت نمی‌دانم و آن را بارها گفته و تکرار می‌کنم.

بیش از ده سال پیش مسجدی که همواره به من از این تهمت‌ها زده می‌شد، شب عید غدیری جشن گرفته بودند و از مسجد ما هم برای شرکت در جشن دعوت کردند، فرصت را غنیمت شمردم و رفتم، امام جماعت آن مسجد که فردی بی‌غل و غش بود از من خواست که چند دقیقه‌ای صحبت کنم.

در صحبت خود گفتم اگر تمامی صحابه و شیران بیشه، سخنان ناب خود را بیاورند و ما شیعیان فقط کلمات قصار حضرت علی (ع) را بیاوریم، قطعاً ما پیروز خواهیم بود.

بعد از این صحبت متوجه شدم که با این حرف من چقدر رشته‌ها پنبه‌ها شد.

امشب هم با صراحت عقیده خود را گفتم تا ان شاءالله باز رشته پنبه شود و توطی‌های احتمالی نقش بر آب شود. با این حال تأکید می‌کنم که بنده ارزشی ندارم که ترور شخص یا شخصیتیم موجب شود افراد دست از عدالت خواهی خود بردارند.

بنده به آن تلفن زننده گفتم که در دهه شصت همواره در جبهه آماده جان دادن بوده‌ام و این سی و چند سال لطف خداوند بوده است که زنده مانده‌ام و از نعمتش شاکرم و الآن هم از مرگ ترسی ندارم و می‌دانم که عمر دست خداست.

ولی واقعا نمی‌دانم چرا عده‌ای اصرار دارند که افرادی را از اسلام خارج کنند و آنان را غیرمسلمان بنامند همان‌گونه که نمی‌دانم چرا تعدادی از روحانیون سنتی اصرار دارند مرا غیرشیعه و وهابی بدانند.

در حالی که این کار یقیناً خلاف سیره حضرت محمد(ص) و اهل بیت است چون ایشان با محبت کردن و حتی با پول دادن به افراد، آنان را به اسلام جلب و جذب می‌کردند.

نمی‌دانم شیعه بودن من چه ضرری به آنها می‌زند؟ بنده از زمانی که به اصفهان آمده‌ام همواره تلاشم این بوده است که از کسی خمسی را قبول نکنم و به کسانی که می‌خواسته‌اند خمس بپردازند سفارش کرده‌ام که خمس



خود را به فقرا بدهند یا برای کارهای فرهنگی و قرآنی هزینه کنند یا به روحانیون محل خود بدهند. پس راه روزی آنان را نبسته‌ام. منبر و روضه هم معمولاً قبول نمی‌کنم تا به اقتصاد آنان ضربه‌ای وارد نشود.

آن زمان که امام جماعت مسجد امام صادق (ع) بودم، بعد از نماز، هر شب یک صفحه از صحیفه سجادیه را با ترجمه خوانده‌ام و کلمات قصار نهج البلاغه را شرح داده‌ام و یا احادیث تحف العقول را خوانده و شرح داده‌ام.

در حجره‌ام نامه‌های نهج البلاغه را شرح داده‌ام. نمی‌دانم نزد این افراد شیعه بودن به چیست؟ اگر به شهادت به امامت دوازده امام معصوم است که پیوسته این کار را کرده‌ام، اگر به خواندن احادیث آنان و شرح آن است که چنین کرده‌ام، اگر به فتوا دادن بر طبق احادیث اصل بیت است که همه‌ی کتاب‌ها و مقالات فقهی بنده مملو از استدلال به احادیث شیعه است. اگر می‌خواهند با لعن به این و به آن جنگ شیعه و سنی راه بیندازم مطمئن باشند که چنین نخواهم کرد.

نمیدانم در نزد این جماعت تهمت زن- که متأسفانه با پول متدینین و پخش بین این و آن آقایی می‌کنند و هر کس را خواستند شیعه می‌دانند و به هر کسی خواستند هر نسبتی می‌دهند و تهدید می‌کنند و از خدا نمی‌ترسند- چه چیزی نشانه شیعه بودن است؟

واقعاً حضرت علی (ع) چقدر مظلوم است هم در زمان خودش که خوارج اعمال او را حبط می‌دانستند و توسط ابن ملجم ترورش کردند و هم در این زمان که عده‌ای به عنوان طرفداری از ایشان فحش‌های چاله میدانی می‌دهند و عوام را تحریک می‌کنند و فرد معترف به شیعه و نویسنده و محقق را با زور تهمت می‌خواهند از شیعه بیرون کنند یا اگر نتوانستند ترور کنند.

به هر حال شاید من نتوانم آنان را قانع کنم که دست از فحاشی و لجاجت و تهمت زدن بردارند و نتوانم قانع کنم که پول امام زمان (عج) را به اراذل و اوباش برای ترور ندهند، ولی ان شاء الله می‌توانم مردم را قانع کنم که هیچ چیزی مسیر عدالت خواهی شما را تحت الشعاع قرار ندهد و این سخن آویزه گوش‌تان باشد که حضرت علی به خاطر عدالتش کشته شد. قُتِلَ فِي مِحْرَابِ عِبَادَةِ لِسُدَّةِ عِدَالَتِهِ.

نمی‌دانم چرا افرادی نمی‌خواهند باور کنند که طلبه‌ای به نام احمد عابدینی توانسته وابسته به خارج و داخل نباشد و با زندگی ساده بسازد و به جای کمک خواهی از این و آن و تملق برای این و آن، دست بر زانوی خود نهد و روی پای خود بایستد و با نوشتن و نشر دادن رایگان از شیعه دفاع کند.

چرا افرادی نمی‌خواهند باور کنند که عابدینی از ارث پدریش استفاده می‌کرده است و تقریباً پایان یافته و پانزده جلد تفسیر قرآن که آماده کرده است بر زمین مانده و در این آشفته بازار پولی برای چاپ آن ندارد و در فکر پیش فروش کتاب‌ها برای تأمین هزینه چاپ آن است.

چرا برخی بی‌خود و بی‌دلیل تهمت می‌زنند؟ امیدوارم تا دیر نشده و مرگ فرا نرسیده است از تهمت‌ها توبه کنند و بیش از این آرامش و دین خودشان را به هم نزنند.

۱۲) اما نکته دیگری که باید به آن پرداخته شود این است که در ماه‌های قبل افرادی را به اسم محارب و این روزها به اسم ساب‌النبی اعدام کرده‌اند. به عنوان کسی که در فقه کار کرده است و حدود ۱۰ سال در حوزه و دانشگاه درس فقه خود را به کتاب حدود و تعزیرات و قصاص و دیات اختصاص داده و فایل‌های صوتی آن موجود است اعلام می‌کنم هر دو حکم کاملاً غلط است و ربطی به اسلام ندارد. و برخی از مقالات مناقشه در آن در فصلنامه «الاجتهاد و التجدید» شماره‌های ۹ و ۱۰، ۲۴ و نیز ۳۲ و ۳۳ چاپ شده است و در نامه‌ای که به رئیس اسبق قوه قضائیه در شهریور ۱۳۹۳ نوشتم، اشکالات این نوع قضاوت را بیان کردم و این حکم‌های غلاظ و شداد را برخاسته از قضاوت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس دانسته‌ام و غبار آن را از دامن اسلام محمدی و شیعه علوی کاملاً پاک کرده‌ام.

اکنون نیز برای چندمین بار می‌گوییم: اگر دنبال محارب می‌گردید، امروز گردنه‌ها و گردنه‌زن‌ها عوض شده است. امروز به جای رفتن به گردنه کوه‌ها در کاخ‌های زرین نشسته‌اند و به جای دزدیدن مال پول اضافی چاپ می‌کنند. کسانی که با چاپ بی‌رویه پول و ایجاد تشنج پول مردم را سقوط داده‌اند و دلار شصت ریالی را طی چهل و پنج سال به حدود ششصد هزار ریال رسانده‌اند، گردنه‌زن و محارب واقعی هستند نه معترضی که از درد فقر و نداری و تحقیر و بیکاری از روی عصبانیت اقدامی عجولانه می‌کند.

آنان که با عصبی کردن مردم در اثر گرانی و بیکاری و نداری زمینه بد نام کردن اسلام و معصومان را فراهم می‌کنند، ساب‌النبی هستند نه آن بیچاره‌ای که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند و از روی عصبانیت چیزی می‌گوید. آنان که با اسم امام و پیامبر(ص)، اموال مردم را بالا می‌کشند و موجب می‌شوند مردم فقیر و عصبی شوند ساب‌النبی هستند نه کسانی که می‌گویند از تشنج‌ها کم کنید و به درد مردم برسید و اگر واقعاً نمی‌توانید این کار را انجام دهید کنار بروید.

علاوه بر این با توجه به مقالات بنده که با تحقیق نوشته‌ام، حکم ساب‌النبی یا ساب‌الامام کشتن نیست. و امروزه محارب با رسول خدا تحقق خارجی ندارد پس اجرای چنین احکامی یقیناً غلط است.

مگر پیامبر (ص) هند جگرخوار را که به ایشان ناسزا می‌گفت کشت؟ یا مگر آن حضرت ابو سفیان را کشت؟ یا مگر وحشی را کشت که شما می‌خواهید ساب النبی را بکشید؟

مگر نشنیدید که حضرت علی (ع) به پیروانش درباره‌ی فردی که به او دشنام داد فرمود:

"سَبِّ سَبِّ او عفو عن سب".

چرا با کشتن چند جوان که از روی عصبانیت حرفی زده‌اند باعث بدنام شدن رسول خدا (ص) حضرت علی (ع) می‌شوید؟

آیا من که با این کشتارها مخالف هستم و بر سختم استدلال فقهی دارم و در این باره مقاله نوشته‌ام و به چاپ رسانده‌ام مخالف دین و اهل بیت هستم و حکم دهندگان به قتل و مجریان آن و شادی کنندگان بر آن مسلمانند؟!

شرم بر آن مسلمانی که بر خون محرومان و مظلومان بنا شده باشد و خوشا به حال اسلامی که بر فطرت پاک و مهربانی و دستگیری از مستمندان و بر پایه‌ی عقل و دلیل صحیح استوار باشد.

۱۳) خوب است که این حکم دهندگان، قرآن را برای فهمیدن و عمل کردن نخوانده‌اند؛ زیرا اگر این چنین قرآن خوانده بودند، حکم قتل حضرت موسای کلیم را هم صادر می‌کردند که چرا الواح را بر زمین انداخت. (اعراف / ۱۵۰)؛ زیرا مسلماً انداختن الواح توهین به الواحی است که مستقیماً از سوی خدا صادر شده است نه خط و نوشته و کتاب چاپ شده. همچنین چرا ریش پیامبر خدا حضرت هارون را کشید و به سر و صورتش زد؟ از دید اینان حتماً حضرت موسای کلیم، اهانت کننده‌ی به مقدسات و ساب النبی است. حتی به نظر می‌رسد که اگر پرونده‌ی حضرت محمد (ص) ناشناس به دست آنان بیفتد او را نیز به اعدام محکوم می‌کنند که چرا گزارشگر شدی و این آیه را بر مردم خواندی که مردم بفهمند میان موسی و هارون نزاع شده است و موسی الواح را به زمین انداخته است؟!

۱۴) نمی‌دانم چرا حضرت موسی (ع) حق دارد عصبانی شود و الواح را پرتاب کند و ریش برادرش را بکشد ولی یک جوان امروزی که این همه حق‌کشی و ظلم را می‌بیند حق ندارد عصبانی شود و چرا توبه‌ی حضرت موسی به راحتی بخشوده می‌شود ولی توبه‌ی یک جوان و گریه و زاری او و خانواده‌اش مورد قبول قاضی واقع نمی‌شود؟ آیا قاضی بنده‌ی خدای دیگری است!!

خداوند همه‌ی ما را از خواب غفلت بیدار کند و به همه‌ی عقل و انصاف عنایت کند تا دین خدا را بیش از این تخریب نکنیم.

و السلام علي عباد الله الصالحين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

تكميل و تصحيح شده در تاريخ ۲۵ / ۰۲ / ۱۴۰۲ احمد عابديني